روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۰ • ۲۰ شعبان ۱۴۴۲ • ۳ آوریل ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۳۹۶۷ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۸ • اذان مغرب ۱۹:۴۶
اذان صبح فردا ۵:۲۱ • طلوع آفتاب ۶:۴۷

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

به منظور جلوگیری از موج چهارم ویروس کرونا، تمام پارک‌ها و مکان‌های عمومی در روز طبیعت تعطیل شدند. عکس: محمدمهدی دورانی، فارس

یادداشت

شبه‌زندگی در تعطیلات

رویا صدر

تعطیلات سال جدید برای بسیاری از ما مصداق دل‌دادن به بطالت بود؛ نه از آن جنس که برتراند راسل ستایش کرده و با لذت همراه است، بلکه بطالتی که در سایه خانه‌نشینی کرونایی، خودخواسته نبود و در نتیجه با لذت مدنظر راسل فاصله داشت تا آنجا که امسال، ما شور و شوق نوروز سال پیش در رویارویی با کرونا و شوخی با آن و حتی به‌رخ‌کشیدن هنر شاطری‌مان را هم نداشتیم! عید امسال قرار نبود به خانه‌ای برویم یا به خانه‌مان بیایند و برای هم «صد سال به این سال‌ها» آرزو کنیم (و چه بهتر که آرزو هم نکردیم!) اما در این میان، ملال دیدوبازدیدهای همه‌ساله برایمان به آرزویی دست‌نیافتنی تبدیل شد. اگر هم سنگدلی به خرج دادیم و با وجود التماس و خواهش وزیر بهداشت، با هراس از فردایی نامعلوم، دم را غنیمت شمردیم و به دل جاده زدیم، همچنان ترس با ما بود و نگذاشت مهم‌ترین اتفاق تعطیلات (که همانا سلام‌دادن فارغ‌البال به طبیعت و بهار و زندگی و سفر است) برایمان رقم بخورد. خلاصه آنکه سال سخت، خودش را گسترد و به سال جدید سنجاق شد و ما ابتدا دلخوش بودیم برای تمام‌شدن سالی که فکر می‌کردیم سال پایانی قرن است و بعدش فهمیدیم یک سال دیگر وقت داریم تا به استقبال قرن جدیدی برویم که شاید هوایش حالمان را بهتر کند. در میان این لحظات رخوت، سرگرمی‌های معمول روزمره از تماشای فیلم و خواندن کتاب گرفته تا حفاری تاریخ صدساله و بلکه بیشتر موسیقی ایران و جهان و درآوردن چیز دندان‌گیری از آن و گوش فرادادن و خیره‌شدن هم‌زمان به فنجان چای و قهوه و بلکه گل‌گاوزبان با اسانس احساسات نوستالژیک کافی بود که خودش را تا سرحد یک اتفاق بالا بکشد و بگذارد ذهن و روانمان فارغ از

بیم‌ها و دل‌نگرانی‌ها نفسی تازه کند. برای من این اتفاق با خواندن کتاب جدید منتشرشده «واتسلاو هاول» (نامه‌های سرگشاده) رخ داد که در آن این نویسنده، سیاست‌مدار و متفکر معاصر چک در خلال بازگویی زندگی فکری‌اش، از زمانه‌اش می‌گوید، از زندگی حرف می‌زند و نشان می‌دهد که چگونه این زندگی در سایه سیاست‌های نظام تمامیت‌خواه چکسلواکی، تبدیل به «شبه‌زندگی» می‌شود. طنز عنصری است که در بسیاری از تعابیر و نوشته‌های کتاب حضور دارد. هاول می‌گوید که چطور در کشورش جدی‌ترین امور غالبا با کمیک‌ترین امور پیوند می‌یابند و شوخی چگونه پیامد گریزناپذیر مسائل جامعه‌اش است. او در عین ارائه نقشه راه، امید به آینده‌ای بهتر را از مخاطب هم‌وطنش دریغ نمی‌کند؛ اتفاقی که بالاخره در کشورش رخ داد. خواندن تجربه‌های دیگران، تاب‌آوری آدم را زیاد می‌کند و افق‌های روشنی را پیش‌رو قرار می‌دهد تا آنجا که بعد از انتقال این تجربه، می‌توانی در این دنیای آشفته، آلوده و بیمار، فارغ از آزار و اذیتی که خبرهای روزمره نصیبت می‌کند، پشت پنجره بروی، به بهار و درختان تازه‌جوانه‌زده نگاه کنی و حس کنی درک زیبایی بهار در این لحظات، برای خودش یک اتفاق تازه است.

تحلیل

نکته‌هایی درباره نمایش «واکسیناسیون»

سیدحسین مهرآوران
متخصص داخلی و فوق‌تخصص ریه

واکسیناسیون کمتر از ۰.۲ درصد از جمعیت نزدیک به ۸۵ میلیونی ایران با گذشت بیش از ۵۰ روز از واکسیناسیون کووید۱۹ در کشور حکایت از کوتاهی در پرداخت جدی‌تر به معضلی دارد که بیش از یک سال عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و بهداشت و درمان کشور را تحت تأثیر منفی خود قرار داده است. وقتی آمار نزدیک به ۹۰۰هزار دوز واکسن کووید۱۹ واردشده به کشور را در کنار تزریق حدود ۱۶۲ هزار دوزی از واکسن کرونا تا روزهای اخیر در کنار هم قرار می‌دهیم، بی‌تدبیری و مدیریت نادرست در «توزیع و تزریق» واکسن را نیز باید به کوتاهی در «تأمین» واکسن کرونای مورد نیاز کشوری افزود. «نمایش» واکسیناسیون برخی پاکبانان عزیز، رانندگان تاکسی و کارکنان آرامستان‌ها درحالی‌که تاکنون حدود ۸۰ درصد و نه تمامی کادر درمان بیماران کرونایی واکسینه شده‌اند، خود حکایتی دیگر از جنس حکایت‌هایی است که با آن ناآشنا نیستیم.

آری! با درنظرگفتن آمارهای اعلامی درباره واکسن‌های کووید۱۹ واردشده به کشور تاکنون و نیاز به دو دوز واکسن برای واکسیناسیون کامل هر فرد، راه درازی تا واکسیناسیون کادر درمان و سایر کارکنان سلامت، افراد ساکن آسایشگاه‌های جانبازان، معلولان و سالمندان که افراد مشمول «فاز یک» واکسیناسیون کووید کشوری با جمعیتی حدودا یک‌میلیون‌و ۳۰۰ هزارنفری است، در پیش است و گام‌های برداشته‌شده تاکنون با توجه به کمبود واکسن و کندی روند واکسیناسیون همگانی پاسخ‌گوی نیاز کشور و شایسته این سرزمین نیست.

با توجه به تصمیم پرابهام مقام‌های عالی وزارت بهداشت به‌منظور عدم ورود واکسن‌های تأییدشده و مورد اقبال «جهانی» و انتخاب‌های محدودتر پیش‌رو، به مرور مواردی درخصوص واکسن‌های تأییدشده در حال ساخت در ایران و برخی پرسش‌های مرتبط با واکسیناسیون کرونا بپردازیم.

۱- تاکنون چهار واکسن دو دوزی به‌منظور واکسیناسیون کووید۱۹ در ایران مجوز مصرف اضطراری گرفته‌اند؛ واکسن‌های اسپوتنیک‌وی روسیه، آکسفورد- آسترازنکا انگلستان و سوئد، Bharat Biotech هند و سینوفارم چین. با وجود انتشار داده‌های فاز سوم واکسن شرکت گامالیا در نشریه معتبر Lancet و سفارش بیش از ۳۹ کشور جهت خرید واکسن روسی، کارزار واکسیناسیون همگانی در برابر بیماری کووید۱۹ در کشور سازنده واکسن به دلیل عدم اعتماد عمومی به کندی پیش می‌رود.

۲- آیا توصیه به واکسیناسیون با واکسن‌های روسی/ چینی می‌کنید؟ آیا عوارض طولانی‌مدت و تغییرات ژنتیکی به‌دنبال تزریق واکسن‌های m-RNA قابل انتظار است؟ آیا حامل‌های ویروسی جهت انتقال بخشی از ژنوم ویروس کرونا خود می‌تواند عامل بیماری یا ایجاد تغییرات ژنتیکی باشد؟

با توجه به تأیید «اضطراری» واکسن‌های کووید تا به این لحظه پاسخ‌های قطعی به پرسش‌های پیشین حقیقتا دشوار است. بشخصه با توجه به زمینه پرریسک حرفه‌ای در مواجهه و درمان بیماران مبتلا به کووید۱۹ و محدودیت‌های پیش‌گفته در امر تأمین واکسن‌های مورد تأیید جهانی، در نخستین روز واکسیناسیون کشوری دوز اول واکسن روسی و ۲۱ روز بعد دوز دوم آن را بدون تجربه عوارض جدی دریافت کرده‌ام.

مسئله مهم در واکسیناسیون کرونا مسئله «هزینه به فایده» تزریق واکسن است. تمامی واکسن‌های تأییدشده کنونی اثربخشی نزدیک به صددرصدی در مقابل ابتلا به بیماری شدید و منجر به بستری کووید۱۹ نشان داده‌اند؛ واکسن‌های بر پایه m-RNA منجر به تغییرات ژنتیکی در فرد میزبان نمی‌شود؛ بسیار نامحتمل است که حامل‌های آدنوویروسی در بدن تکثیر شوند و در مجموع عوارض جدی و منجر به بستری در تزریق آن نادر است.

از سوی دیگر، کنترل هرچه سریع‌تر پاندمی کووید۱۹ با واکسن‌های مورد تأیید در دسترس، مسئله‌ای است که به خروج هرچه سریع‌تر کشورهای گوناگون و به دنبال آن جامعه بشری از این ابتلای شوم جهانی کمک می‌کند.

۳- واکسن‌های برکت که وارد فاز ۲ بالینی شده است، واکسن پاستور که در حال آغاز آزمایش فاز سوم انسانی در ایران و کوباست و واکسن رازی که نتایج فاز اول انسانی آن اردیبهشت ۱۴۰۰ در دسترس خواهد بود، تلاش‌های شایان ستایش دانشمندان و مدیریت بهداشت و درمان کشور در امکان سریع‌تر و گسترده‌تر واکسیناسیون کرونا در ایران است. درخواست جدی اینجانب از تیم تحقیقاتی و مدیریتی تولید واکسن آن است که از اظهارنظرهای غیرمنطقی و شتاب‌زده درباره اثربخشی واکسن‌های تولید داخل -چنان‌که در خصوص واکسن برکت در مراحل ابتدایی فاز یک بالینی شاهد آن بوده‌ایم- پرهیز کرده و با انجام تحقیقات روشن و شفاف، اعتماد عمومی را جهت پذیرش واکسن‌های تولید داخل بیشتر جلب کنند.

با درنظرگرفتن مطالب پیشین و با بررسی افق‌های پیش‌رو، به نظر می‌رسد سال ۱۴۰۰ همچنان سال توصیه به حفظ فاصله‌گذاری اجتماعی و رعایت بیشتر بهداشت فردی به‌منظور حفظ بیشتر سلامتی خود و دیگران از ویروس کووید۱۹ باشد.

پرنده آبی

چه کسانی در مرگ او نقش داشتند؟

مرگ «آزاده نامداری» مجری ۳۷ساله ممنوع‌الکارشده، بحث‌های اخلاقی دنباله‌داری را در شبکه‌های اجتماعی در پی داشت. این چالش‌ها آنچنان بود که حتی خبر مهم امضای معاهده ایران و چین را کم‌رنگ کرد و بیشتر افراد درگیر مسئله مرگ او بودند. این بار دیگر فقط دل‌نوشته‌ها و دعواهای مردم در توییتر و اینستاگرام نبود؛ در مدت کمی اتاق‌های زیادی در شبکه کلاب‌هاوس تشکیل شد و با داده‌های عجیبی همچون مرگ با حیوانات خانگی نظیر سوسمار، تمساح و... یا حضور در آفریقای جنوبی درباره آن گفت‌وگو شد.

چالش بین مردم و سلبریتی‌ها بر سر اینکه چه کسی آن‌چنان عرصه را برای این دختر پرشروشور تنگ کرد که به مرگش منجر شد، آغاز شده بود. برخی به دورویی و ریاکاری و ابزار تبلیغ بودن او می‌پرداختند و عده‌ای دیگر معتقد بودند خدشه بر حریم خصوصی‌اش تاب و توانش را گرفت. عده‌ای از تأثیر او بر تشویق به حجاب نوشتند و عده‌ای دیگر از قربانی‌بودنش به همین دلیل.

عده‌ای معتقد بودند سلبریتی‌ها آن‌موقع که می‌توانستند، تلاشی برای بازگشت و همراهی با او نکرده‌اند و حالا مدعی حمایت از او هستند و عده‌ای دیگر نقش صداوسیما در این فشار هفت‌ساله را پررنگ می‌دانستند و دایی او نقش ابررسانه‌ها را. این ابررسانه‌ها هم می‌توانستند رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور باشند و هم ترول‌های شبکه‌های اجتماعی. همه این اظهارنظرها با این باور شکل گرفت که او خودکشی کرده است نه اینکه با مرگ طبیعی مرده یا به قتل رسیده باشد.

مرگ «آزاده نامداری» سؤالات زیادی را در زمینه نقش مردم، نقش رسانه‌ها، نقش صداوسیما، نقش سلبریتی‌ها و... به دنبال داشت.

اتفاق

انتخابات روی موج کلاب‌هاوس

اسفند سال گذشته بود که موج محبوبیت یک شبکه اجتماعی در ایران فراگیر شد. یک شبکه اجتماعی جدید که بر پایه مدیوم صدا فعالیت می‌کند و فضای جدید و جالبی را در اختیار کاربران قرار می‌دهد. پیش‌تر شبکه‌های اجتماعی در دنیا هم موجب تسهیل روابط شده بودند و هم تریبون‌های تازه‌ای برای کاربران ایجاد کرده بودند. حالا کلاب‌هاوس آمده تا با بهره‌بردن از مدیوم صدا این ارتباط را نزدیک‌تر کند. به این ترتیب بود که بعد از یک ماه آزمون و خطا نهایتا در تعطیلات عید کلاب‌هاوس و اتاق‌های پررفت‌وآمدش به یکی از محبوب‌ترین سرگرمی‌های کاربران ایرانی شبکه‌های اجتماعی تبدیل شد؛ پلتفرمی که سرانجام توانست یخ بی‌حسی نسبت به انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ را که چند ماه دیگر در ایران برگزار می‌شود، بشکند و فضای گفت‌وشنود سیاسی را فراهم کند. اگر چهار سال پیش این توییتر بود که سردمدار ایجاد فضای سیاسی و انتخاباتی بود و خوراک و محتوای لازم را برای سایر پلتفرم‌ها و شبکه‌های اجتماعی ایجاد می‌کرد این‌بار این وظیفه گویا بر عهده کلاب‌هاوس گذاشته شده است. این را می‌توان از اتاق‌های پررفت‌وآمد این چند هفته فهمید که هر شب یک چهره سیاسی در آن پشت تریبون کلاب‌هاوس نشسته و به سؤال کاربران زیادی پاسخ می‌دهد. با اینکه کلاب‌هاوس هنوز نسخه‌ای برای کاربران سیستم‌عامل اندروید ندارد اما همین انحصار سیستم‌عامل آی‌اواس هم موجب نشده تا تب‌وتاب این شب‌ها فرو بنشیند و به این ترتیب اتاقی با حضور جواد ظریف به هشت هزار شنونده رسید که فعلا حداکثر ظرفیت اتاق‌های گفت‌وگوی این شبکه اجتماعی است. مثل هر شبکه اجتماعی دیگر که در ایران پرطرفدار می‌شود و بعد از محبوبیت آن باید منتظر فیلترینگ آن باشیم، در اینجا هم نگرانی‌هایی برای ادامه فعالیت کلاب‌هاوس وجود دارد. مسئله‌ای که محمدجواد آذری‌جهرمی، وزیر ارتباطات ایران، در یکی از اتاق‌های گفت‌وگو به آن پاسخ شایان توجهی داد. او در گفت‌وگو با یک روحانی اصولگرا از او خواست تا به «دوستان» توصیه کند که این شبکه اجتماعی را فیلتر نکنند. به هر حال چه او و چه محمدجواد ظریف که از سوی دولت در کلاب‌هاوس حضور داشتند، رسما اعلام کردند فیلترینگ کلاب‌هاوس در برنامه آنها نیست اما به هر حال می‌دانیم که دکمه فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی از جای دیگری غیر از دولت فشرده می‌شود. این پلتفرم این روزها تنها به مسئله انتخابات معطوف نیست. برای مثال موضوع قرارداد ۲۵ساله ایران و چین که در هفته گذشته محل نقد و بحث‌های زیادی شده بود، محمدجواد ظریف، سعید خطیب‌زاده و تیم وزارت خارجه را به کلاب‌هاوس کشاند تا برای هشت هزار کاربر این شبکه اجتماعی به صورت آنلاین درباره این قرارداد توضیح دهند؛ گفت‌وگویی جنجالی که حواشی فراوانی داشت و بی‌شک یکی از مهم‌ترین محتواهایی بود که این روزها حول این قرارداد تولید شده بود. حواشی این بحث مثل سانسورکردن خبرنگاران شبکه‌های تلویزیونی فارسی‌زبان خارج از ایران البته موجب حواشی زیادی بعد از این گفت‌وگو شد و برای گرداننده این اتاق در کلاب‌هاوس هم محدودیت‌هایی ایجاد کرد. مدیران کلاب‌هاوس فکرش را هم نمی‌کردند این شبکه اجتماعی چنان پرطرفدار شود؛ چراکه این پلتفرم را برای کاربران آمریکایی که درصد سیستم‌عامل آی‌اواس در آنها بیشتر است طراحی کرده بودند که فقط با دعوت‌نامه امکان حضور در آن هست اما استقبال جهانی از این شبکه اجتماعی آنها را به سمت توسعه این شبکه اجتماعی و ایجاد نسخه اندروید هم می‌برد. مسئله‌ای که می‌تواند با توسعه بیشتر این شبکه اجتماعی، آن را به رقیبی جدی برای سایر رسانه‌ها تبدیل کند؛ به‌ویژه در ایران که محدودیت‌های فراوانی در رسانه‌ها وجود دارد و انحصار و فیلترینگ موجب شده تا مردم بیش از هر وقت دیگری علاقه‌مند به استفاده از شبکه‌های اجتماعی باشند. به این ترتیب امکانات شبکه اجتماعی‌ای مانند کلاب‌هاوس می‌تواند بازار رسانه‌هایی مثل تلویزیون‌ها را چه در ایران و چه خارج از ایران کساد کند. فعلا که دور، دور صداست و اتاق‌های شلوغ کلاب‌هاوس که هنوز امکان ترول‌کردن یا حضور با اسم مستعار یا ساخت کاربر فیک در آن ممکن نشده است.

رسانه

وقتی نبودن روزنامه‌ها در نوروز به چشم آمد

پژمان موسوی

حتما خیلی از شما هم مانند خیلی از ما، در این ۱۵ روزی که روزنامه‌ها و مجلات منتشر نشدند، یک جای خالی بزرگ را در جریان آزاد اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی احساس کردید؛ جای خالی‌ای که این همه رسانه مجازی و برخط هم نتوانست آن را پر کند و به تنهایی بار این همه رویداد کوچک و بزرگ را به دوش بکشد. البته نمی‌خواهم بگویم روزنامه‌ها و مجلات همه‌چیزند، اما باید قبول کرد «بودنشان» خیلی مؤثر است و «نبودنشان» به چشم می‌آید.

در تعطیلات طولانی سال نو، اتفاق ریز و درشت کم نبود، برخی مهم‌تر بودند و برخی خیلی مهم‌تر؛ اتفاق‌هایی که بدون شک «بودن» و «انتشار» روزنامه‌ها و مجلات می‌توانست در تحلیل، تفسیر و واکاوی آنها مؤثر باشد و روند کلی جریان رسانه‌ای کشور را به سمت‌وسویی دیگر ببرد. اینکه چرا با وجود تمام ضرورت‌ها، هنوز هم اراده‌ای برای انتشار روزنامه‌ها بعد از چهار روز تعطیل رسمی نخست سال نو وجود ندارد، بحثی مهم و قابل تأمل است که بی‌شک شرح آن در این یادداشت نمی‌گنجد اما رویدادهای نوروز ۱۴۰۰ به‌ویژه امضای سند راهبردی همکاری ۲۵ساله ایران و چین و خلأ رسانه‌ای حول‌وحوش آن، بار دیگر نشان داد بخش زیادی از توان حرفه‌ای سپهر رسانه‌ای ایران، در روزنامه‌ها و مجلات تجمیع شده است و هیچ فضای مجازی و کانال و گروهی نمی‌تواند جای آن را بگیرد. تمام اتفاق‌ها و رویدادهای نوروز ۱۴۰۰ و از جمله سند راهبردی ایران و چین، به قدر کافی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بازتاب یافت، اما چون روزنامه‌ها و مجلات نبودند، کمتر گزارش جان‌دار، تحلیلی و کارشناسانه‌ای در اختیار مردم قرار گرفت؛ هرچه بود خبر بود و خبر. آن‌قدر خبر در حول‌وحوش این سند راهبردی منتشر شد که مخاطب در فضایی مغشوش، نه‌تنها تمرکزش را از دست داد بلکه عملا نتوانست هیچ مطلب محققانه‌ای درباره آن بخواند. تعطیلی فضای حرفه‌ای و رسمی رسانه‌ای همچنین فضا را برای انواع شایعات حول‌وحوش این سند فراهم کرده بود و مخاطب بخت‌برگشته مانده بود و حجم زیادی از خبر و شایعه. فقط هم این موضوع نبود، تقریبا در تمامی حوزه‌ها وضع به همین منوال بود و تقریبا یک آشفتگی سراسری در فضای رسانه‌ای کشور به وجود آمده بود. یک حُسن تعطیلات طولانی‌مدت روزنامه‌ها و مجلات به صورت مطلق و وب‌سایت‌ها و خبرگزاری‌ها به صورت نسبی برای مسئولان هم، عدم احساس نیاز به پاسخ‌گویی به رسانه‌های مستقل است؛ وقتی روزنامه‌ای قرار نیست منتشر شود و فردا روی میز مقامات و در دسترس مردم باشد، دیگر چه نیازی هست به پاسخ‌گویی؟ پیش خودشان می‌گویند که «ما هستیم و صداوسیما که بالاخره یک‌جوری با هم کنار می‌آییم! فضای مجازی را هم به نحوی مدیریت می‌کنیم». واقعیت این است که هنوز هم بعد از سال‌ها تلاش برای بی‌اعتبارکردن و بی‌خاصیت‌کردن روزنامه‌ها و مجلات، نشریات مکتوب در ایران مهم‌اند و تأثیرگذار. این تأثیر دو جنبه دارد و منتقدان معمولا یک جنبه‌اش را اصلا نمی‌بینند. یک جنبه این تأثیر، خود نسخه چاپی و بازتاب‌های آن بین مردم و مسئولان است که می‌توان درباره میزان اثرگذاری آن ساعت‌ها حرف زد و ده‌ها مقاله نوشت. جنبه مهم دیگر که کمتر محل اختلاف است، استفاده‌ای است که فضای مجازی از تولید محتوای روزنامه‌نگاران و خبرنگاران حرفه‌ای این رسانه‌ها می‌کند. می‌دانید و می‌دانیم که اساسا جدی‌ترین گزارش‌ها، یادداشت‌ها، گفت‌وگوها و سرمقاله‌ها، در مطبوعات و فضای رسمی رسانه‌ای منتشر می‌شود و معمولا هم وب‌سایت‌ها و کانال‌های مجازی از این تولید محتوا به رایگان استفاده کرده و از این رهگذر خوراک خبری معتبر به مخاطبانشان می‌دهند. شاید از همین رو هم هست که معمولا در تعطیلات طولانی نوروز که روزنامه‌ها و مجلات منتشر نمی‌شوند، فضای مجازی هم کیفیت و عمق خود را از دست داده و بیش از پیش گرفتار «خبر» و «کپی» می‌شود. این دیگر چیزی نیست که بتوان تکذیبش کرد یا نادیده‌اش گرفت. از همین رو به نظر می‌رسد هم روزنامه‌نگاری مکتوب و هم سایر مدیوم‌های رسانه‌ای باید بدون کم‌اهمیت جلوه‌دادن یکدیگر، در کنار هم به تلاش برای حرفه‌ای‌ترکردن سپهر رسانه‌ای ایران ادامه داده و هم‌افزایی را در دستور کار خود بگذارند نه طرد و واگرایی را. باید پذیرفت که هم روزنامه‌نگاری مکتوب در این روزگار مهم و ضروری است و هم فعالیت‌های حرفه‌ای رسانه‌ای در فضای مجازی.